

اخبار

گلایه‌های فروشش

از وعده‌های عمل نشده مدیران

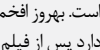


ابراهیم فروزش، کارگردان سینمای ایران معتقد است کودکان ایرانی نیاز به خوراک سینمایی دارند و تامین این خوراک مستلزم عملی شدن وعده مدیران سینما در بخش‌های مختلف دولت است. ابراهیم فروزش، کارگردانی که در سینمای ایران بیشتر با آثاری برای کودکان و نوجوانان معروف است درباره ارسال فیلمنامه‌های متعدّدش به بنیاد سینمایی فارابی به مهر گفت: واقعیت ماجرا این است که فیلمنامه‌های متعددی برای بنیاد سینمایی فارابی و سینما فیلم نوشته‌م و هیات‌های متعددی هم این فیلمنامه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند ولی متأسفانه هیچ یک از طرح‌ها و فیلمنامه‌ها به مرحله اجرا نرسیده و در حد حرف باقی مانده‌اند. این کارگردان سینما در ادامه افزود: کودکان ایرانی نیاز به خوراک سینمایی دارند و تامین این خوراک مستلزم عملی شدن وعده مدیران در بخش‌های مختلف دولتی است، اما هیچ برنامه و یا اقدام مثبتی در جهت سر و سامان گرفتن اوضاع نابسامان سینمای کودک رخ نداده است. به هر حال امیدوارم مسؤولان به وعده‌های خود عمل کنند. فروزش با بیان این مطلب که در چند سال اخیر سینمای کودک فضای مناسبی برای کار به این فیلمساز نداده است، گفت: در طول سال‌های گذشته به اشکال مختلف سعی کردم درپچه‌ای برای کار در حوزه کودک و نوجوان باز کنم اما به نتیجه قطعی نرسیده‌ام به همین دلیل ناگزیرم به بخش‌های دیگر این حرفه چون سریال‌سازی رو آورم. وی یادآور شد: من یک فیلمسازم و حرفه اصلی من کارگردانی است اما وقتی دیدم به هیچ نتیجه‌ای نرسیدم راه حرف‌ام را تغییر دادم و به ساخت سریال با موضوع اجتماعی و خلاقانه رو آوردم. به همین دلیل سریالی درباره یک خانواده در موقعیت‌های مختلف اجتماعی در دست ساخت دارم که مسائل کودکان و نوجوانان نیز در این سریال مدنظر قرار می‌گیرد اما داستان روی هیچ یک از گروه‌های سنی کودکان یا نوجوانان متمرکز نیست. فروزش در پایان گفت: هنوز نامی برای این فیلمنامه انتخاب نکرده‌ام و مشغول پیدا کردن لوکیشن هستیم، اما ساخت سریال بعد از ماه رمضان آغاز می‌شود و فیلمبرداری ۳ ماه به طول می‌انجامد. فیلمنامه این سریال براساس کتلی از هوشنگ مرادی کرمانی اقتباس شده است.

■ ■ ■

همکاری مجدد افخمی و قاسمخانی

بهروز افخمی فیلم جدید خود را با نام موقت «میلاّد» جلوی دوربین می‌برد که حضور محسن تنبلنده و پیمان قاسمخانی در آن قطعی شده



است. بهروز افخمی، کارگردان سینمای ایران قصد دارد پس از فیلم «آذر، شهذخت، پرویز و دیگران» فیلم جدید خود را با نام موقت «میلاّد» جلوی دوربین ببرد. به گزارش تسنیم، فیلمنامه این فیلم نگارش شده و تا به امروز حضور محسن تنبلنده و پیمان قاسمخانی در «میلاّد» به عنوان بازیگران اصلی فیلم نهایی شده است. اگر این ترتیب بازیگری باقی بماند قاسمخانی دومین تجربه بازیگری در کنار تنبلنده را پس از «حسن پطرزبورگ» تجربه خواهد کرد. افخمی قصد دارد این بار نیز در فیلم جدید خود به طرح موضوعی کاملاً اجتماعی بپردازد و یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه را نمایش دهد.

آغاز ثبت‌نام

سمپوزیوم مجسمه‌سازی معاصر

«سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی معاصر پدیده» ثبت‌نام از هنرمندان را آغاز می‌کند. ثبت‌نام شرکت در سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی معاصر پدیده از روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه آغاز می‌شود و هنرمندان علاقه‌مند تا اول مرداد ماه فرصت دارند با مراجعه به سایت این مجموعه مراحل ثبت‌نام خود را تکمیل کنند. به گزارش تسنیم، تمام هنرمندان مجسمه‌سازی که امکان اثر طرح، ساخت ماکت و تجربه کالی در ساخت اثر بر اساس طرح پیشنهادی را دارند، می‌توانند در مراجعه به سایت سمپوزیوم و پر کردن فرم مربوط آمادگی خود را برای حضور در این رویداد اعلام کنند. در هنرمند می‌تواند یک طرح پیشنهادی را ماکتی از جنس مقادوم ارائه کند و ماکت ارائه شده درهنگام تحویل به دبیرخانه نباید کمتر از ۲۵ سانتی‌متر از یک سمت باشد. ابعاد نهایی کارساخته شده نیز باید بزرگ‌تر از ۲۵۰ سانتی‌متر از یک سمت باشد. هنرمندان علاقه‌مند به شرکت در این رویداد می‌توانند با مراجعه به نشانی اینترنتی (www.padideart.com) جهت حضور در سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی معاصر پدیده ثبت‌نام کنند. سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی معاصر پدیده از ۲۵ مرداد تا ۱۴ شهریور سال ۹۳ در شهر رویایی پدیده برگزار می‌شود.

خبرنگار فرهنگی «وطن امروز» باشید

هموطن گرامی! نقدها و یادداشت‌های خود را در حوزه فرهنگ و هنر، امم از نقد سینمایی، نقد کتاب و گزارش فرهنگی از سراسر ایران برای روزنامه ارسال کنید. ضمن انتشار مطالب شما به نام خودتان در روزنامه، هر ماه به بهترین مطلب ارسالی، هدیه‌ای از طرف «وطن امروز» تعلق خواهد گرفت.

Farhangi@vatanemrooz.ir



نگاهی به فیلم «خاک و مرجان» مسعود اطیابی

قصه خنجر و شقایق

غلامرضا مقدم: اغلب سینماگران ایرانی شناخت جامع و کاملی درباره افغانستان و موضوعات مرتبط با آن ندارند و آثاری که در سینمای ایران با دستمایه قرار دادن موضوعات مرتبط با افغانستان ساخته می‌شوند همچنان ناموفق هستند یا رگه‌هایی از عدم شناخت سرزمین افغانستان را می‌توان در آنها جست‌وجو کرد. طبیعی است که کشمندی سینمای ایران نسبت به موضوعات قهرهای همسایه به عنوان تنها کشوری که صاحب صنعت سینماست ضرورتی استراتژیک به شمار می‌رود اما به عنوان نمونه فیلمی مثل «یک، دو، سه... پنج» که در جشنواره سی و یکم نمایش داده شد، تصویر جامع و کاملی از افغانستان ارائه نمی‌کند و فیلم با پرهیز از تحولات، به نمایشی مهجور از طالبان قناعت می‌کند. در این فیلم حتی یک خانه در افغانستان نمی‌بینیم و فیلم از بیابان شروع و به همان‌جا ختم می‌شود. در ابتدای فیلم «یک، دو، سه... پنج» چند واگن و ریل قطار را می‌بینیم، درحالی‌که افغانستان اصلاً راه‌افن ندارد. این اثر فیلمی است که از لحاظ شخصیت‌پردازی و لهجه کمی به فضای افغانستان نزدیک است. البته بسیاری از اصطلاحاتی که در فیلم آمده است در افغانستان خیلی رایج نیست، بسیاری از فیلم‌ها همین لهجه مرسوم نمایشی را استفاده می‌کنند و معمولاً در جشنواره‌های خارجی به فیلمی جایزه می‌دهند که در آن از بدبختی و مصیبت‌های افغانستان و مسائل حقوق بشری صحبت کند و با دیدگاه عوامل جشنواره از این کشور مطابقت داشته باشد. در ایران، یک میلیون مهاجر افغان داریم. یک میلیون مهاجر یعنی چیزی حدود ۲/۵ درصد جمعیت ایران. ضمن اینکه اشتراکاتی که افغانستان و ایران از لحاظ زبانی، فرهنگ و آداب و رسوم با هم دارند در روایت‌های سینمایی جاری می‌شود و از زبانی کامل بومی از افغانستان در آثار سینمایی ایران متجلی نیست. شاید نگار رضا امیرخانی (نویسنده) و محمدحسین جعفریان (روزنامه‌نگار و مستندساز) نسبت به افغانستان به حقیقت نزدیک‌تر است و دلپیش سفر نامیردگان به افغانستان دیدن آداب و رسوم و خلق و خوی و آشنایی با فرهنگ عمومی معاصر افغانستان است. در تولیدات سینمای ایران فیلم «باران» (مجید مجیدی) چهرهای واقعی از مهاجران را نشان می‌دهد و مجموعه «راه‌شب» از معدود مواردی است که به‌خوبی مسائل افغانستان را بیان کرده است. حدود ۸۰الی ۹۰ درصد پرسوناژهایی که در آثار نمایشی به‌عنوان افغان معرفی می‌شوند یا کار گر هستند یا افرادی بی‌سواد. این نقطه ضعفی می‌شود یا «باران» و «راه‌شب» هم وجود داشت. در «بایسیکل‌ران» (محسن مخملباف) با پرسوناژ افغان بیکار مواجه هستیم که درگیر مشکلات اقتصادی است. زمانی که مخملباف «بایسیکل‌ران» را ساخته بود، نمی‌توانست برود افغانستان. حتی در «سفر قندهار» هم افغانستان را ندیده بود و بعد، به افغانستان رفت و مدتی هم آنجا ماند. با این حال «خاک و مرجان» (مسعود اطیابی) در حالی ساخته شد که تصویرسازی‌های سینما و تلویزیون ایران از کشور افغانستان کاملاً غیرواقعی بود و اغلب انتظار می‌رفت

آمریکایی‌ها بر زندگی، فرهنگ و اجتماع مردم افغانستان دارد. در بخش پایانی فیلم، با مشخص شدن هویت زن برقع‌پوش، فیلم به اوج لذت‌بخشی هیوط می‌کند. گفتاری که میان «آویزه» و همسرش برقرار می‌شود سرانجامی جلگه‌دار دارد تا مخاطب شرایط افغانستان را در یک دهر اخیر درک کند. شخصیت پسرپچه آویزه که پدرش سربازی آمریکایی است و تلاش مرد برای به دست آوردن مجدد آویزه و عدم موفقیت او با از دست رفتن آویزه، بیانی استعاری از اوضاع امروز افغانستان است. آویزه کنایه‌ای تمثیلی از کشور افغانستان، شوهرش کنایه‌ای از مردم افغانستان، سرباز آمریکایی تمثیلی از غرب و پسرپچه او نیز نتیجه هجوم همه‌جانبه نظامی، سیاسی و فرهنگی غرب به شمار می‌رود و همان طور که در «خاک و مرجان» شوهر آویزه به خیال مرگ زنش، او را از دست داده است، مردم افغان نیز دیگر تسلطی بر مهن و خاک خود ندارند و این غرب و آمریکا هستند که برای دولت و مردم افغانستان تعیین تکلیف می‌کنند و همان‌طور که پچه آویزه در فیلم، چهرهای مسخزه و موهای بور دارد، یعنی چهره‌ای که هم مشخصه‌های یک افغان و هم مشخصه‌های یک آمریکایی را داراست، جامعه افغانستان پس از تهاجم نیز دیگری یک افغانستان بکر و دست‌نخورده که تنها خود مردم این کشور در آن زندگی و تصمیم‌گیری کنند، نیست، بلکه افغانستان امروز، آمیزه‌ای از فرهنگ بومی افغان‌ها و فرهنگ تجاوزگران غربی است که با تجاوز به زور فرهنگ خود را در پیکر کشور افغانستان به یادگار گذاشته‌اند. در حقیقت همان‌گونه که آویزه برای شناساندن پسر به شوهرش می‌گوید، افغانستان امروز، «یمی از من و

هنرمندان تئاتر کشتار بی‌رحمانه مردم غزه را محکوم کردند

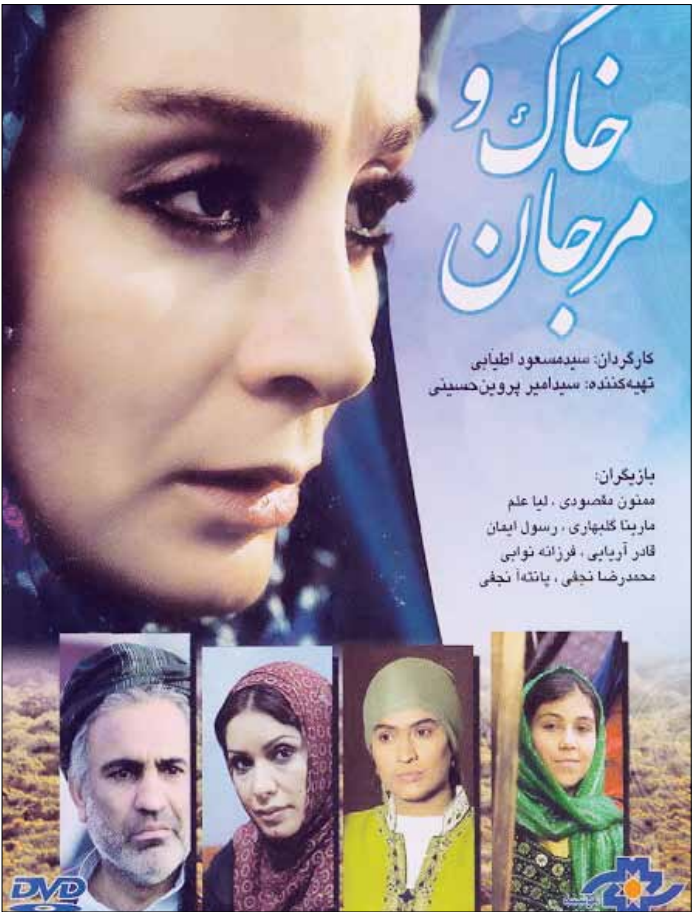
فلسطینی می‌بیند. حق زند بودن و زندگی، تجربه و احساس خاک و آسمان، حق شادی‌های کودکانه و از همه بیشتر حس آرامش و امنیتی که در سکوت تلخ سیاست‌زدگی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها، ناشنیده و نادیده می‌شوند.اما ساکنان این خاک آزدگی و اهالی هنر شریف نمایش این کشور، تماشاجیان بی‌طرف و ده‌لال بی‌تفاوت این صحنه نیستند و نفرین قلبی خود را نثار قلم و زبان و صحنه‌گردانی عوامل این سناریو می‌کنند و خود را در حماسه مقاومت

هنرمندان تئاتر ایران طی بیانیه‌ای همصدا با سایر هنرمندان آزاداندیش جهان، کشتار بی‌رحمانه غزه را محکوم کردند. براساس گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی ایران، جمعی از هنرمندان تئاتر ایران طی بیانیه‌ای همصدا با سایر هنرمندان آزاداندیش جهان، کشتار بی‌رحمانه غزه را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: بسمه‌تعالی

غزه، قطعه‌ای خاک نیست، صحنه مکرری از غرب

انتشار ترجمه انگلیسی «احمد احمد»

کتاب خاطرات «احمد احمد» به دنبال رسیدن به درج واقعیات دوران مبارزه علیه رژیم استعماری به دور از درگیر کردن احساسات ایدئولوژیک خود بوده، اظهار کرد: وقتی خاطرات احمد را ورق می‌زنیم، با هیچ پرسشی که راوی بخواند به آنها پاسخ بگوید روبه‌رو نیستیم اما روشن است که یک مصاحبه‌گر پرسا و کوشا با سوالاتی هدفمند در پی یافتن حقیقت از لابه‌لای خاطرات یک مبارز بوده است. وی ادامه داد: بیان واقعیات در کتاب «احمد احمد» بی‌آنکه راوی با تدوینگر بخواند چیزی به آن بیفزایند یا بکاهند، امتیاز برجسته خاطرات «احمد احمد» است، بی‌گمان اشراق مثال‌زدنی کافلی بر تاریخ دوره‌ای که به آن می‌پردازد و آگاهی از ارتباطات میان آدم‌ها، سازمان‌ها و دیگر عناصر مؤثر در روند مبارزات آن دوران در طراحی سوالاتی که هنگام مصاحبه با احمد داشته، نقشی اساسی ایفا کرده است. این تسلط بر موضوع باعث شده به رویدادها با جامعیت پرداخته شود و اگر این جامعیت در بیان راوی نیامده است خواننده می‌تواند با نگاه دیگر منابع چون اسناد یا یاد دیگر روایان به آن دست یابد. کریمی ادبیات روان و بدون پیچیدگی را یکی از دلایل انتخاب این اثر برای ترجمه عنوان کرد و گفت، البته فرهنگی و اهل مطالعه بودن راوی در این میان بی‌اثبات نیست. پرهیز از جملات بسیار طولانی و غامض و رعایت اصول ساده نویسی ذهن خواننده را خسته نمی‌کند. این کنشش از سوی دیگر تداوم حوادث و افت وخیزهای ماجراهای احمد تقویت می‌شود.



نیمی از دشمن» است. تولد فرزند ناقص‌الخلقه، شاید پررنگ‌ترین نماد این فیلم باشد که البته در سینما حرف تازه‌ای نیست و پیش از این هم کارگردانی‌هایی مانند بهمن قبادی در فیلم زمانی برای مستی اسب‌ها از آن بهره برده‌اند. نماد فرزند معلول، می‌تواند بارزترین نماد تجاوز فرهنگی و جنگ نرم آمریکا در کشورهای اسلامی نظیر افغانستان باشد. فیلم خیلی ملایم و آرام، بدون آنکه بخواهد کلیشه‌ای شود، رشتی‌های حضور اشغالگران و مخصوصاً آمریکایی‌ها را در افغانستان نشان می‌دهد. نمایش تبعات منفی حضور اشغالگران به نحوی زیبا و دراماتیک در فیلم به تصویر کشیده شده است که اظهار تنفر بیننده را نسبت به تجاوز اشغالگران در افغانستان با رنگیخسته می‌کند. لذا از این منظر کار قابل توجه و ارزشمندی است. این فیلم بیش از هر چیز، نشان می‌دهد که چگونه جریان انسانی زندگی مردم افغانستان بهم ریخته و مختل شده است. چگونه روزگار مردم افغانستان تلخ شده است. «خاک و مرجان» از این منظر، یک کار همدان‌طور که پچه آویزه در فیلم، چهرهای مسخزه و موهای بور دارد، یعنی چهره‌ای که هم مشخصه‌های یک افغان و هم مشخصه‌های یک آمریکایی را داراست، جامعه افغانستان پس از تهاجم نیز دیگری یک افغانستان بکر و دست‌نخورده که تنها خود مردم این کشور در آن زندگی و تصمیم‌گیری کنند، نیست، بلکه افغانستان امروز، آمیزه‌ای از فرهنگ بومی افغان‌ها و فرهنگ تجاوزگران غربی است که با تجاوز به زور فرهنگ خود را در پیکر کشور افغانستان به یادگار گذاشته‌اند. در حقیقت همان‌گونه که آویزه برای شناساندن پسر به شوهرش می‌گوید، افغانستان امروز، «یمی از من و

فلسطینی می‌بیند. حق زند بودن و زندگی، تجربه و احساس خاک و آسمان، حق شادی‌های کودکانه و از همه بیشتر حس آرامش و امنیتی که در سکوت تلخ سیاست‌زدگی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها، ناشنیده و نادیده می‌شوند.اما ساکنان این خاک آزادی و اهالی هنر شریف نمایش این کشور، تماشاجیان بی‌طرف و ده‌لال بی‌تفاوت این صحنه نیستند و نفرین قلبی خود را نثار قلم و زبان و صحنه‌گردانی عوامل این سناریو می‌کنند و خود را در حماسه مقاومت

گلایه شیخ طادی در تعلل افشای جنایت صهیونیستها

ختم می‌شد تا زمانی که ماجراهای سوریه و لبنان آغاز شد و کار به جراحی سنگین کشید و فریاد زیدم آقایان این جریان را جدی بگیرد و اجازه دهد کار کنیم. باز هم تسلیت و گریه و زاری و التماس دعا داشتند... حال که در کنار گوشمان و در مرزهایمان شاخ و شانه می‌کشند و رسماً جنگ را آغاز کرده‌اند باز هم همان ابراز تأسف و واکنار کردن به خدا و تسلیت و گریه و زاری را ادامه می‌دهند؛ خلاصه امروز فهمیدم و

چقدر دیر فهمیدم که برای دشمنم خارجی ۱۰ درصد

انرژی کافی است و ۹۰ درصد باقی را باید بزارم برای گوش‌های سنگین، پوست‌های کلفت، مدیران محافظه‌کار، روشنفکرانی که از منافع ملی تعریفی پارینه‌سنگی دارند، عافیت‌طلبان، بی‌حوصله‌ها، افسرده‌ها، عصبانی‌ها، حرف‌های بی‌عمل، علاقه‌مندان به حواشی و خلاصه کلی خصلت‌های نوظهوری که با بتن مسلح و محکم و غیرقابل مذاکره شده‌اند. امروز شدم مانند سربازی که مدام پای میزه‌های مذاکره و گام‌ها غیرعلنی و پشت‌پرده به زور می‌خواهد خواب‌زدگان را وادار کند از کشور و وطن و دین و غیرت و انسانیت دفاع کنند؛ حال از همین جابنده پرویز شیخ‌طادی از امت شهیدپرور، از آزاده‌ها، از ایرانی‌های مقیم دیگر کشورها، از سرمایه‌داران با غیرت، از اقوام مختلف کشور، تقاضای کمک و یاری دارم، اگر به‌دنبال افشای جنایات صهیونیزم پدر و فرزندانش در منطقه هستید، اگر خواهان زند زنده‌های مهلک و روشنگر هستید، آستین بالا بزنید که مدیران فرهنگی و کمیسون‌ها و شوراهای فرهنگی کشور بشدت خسته و کوفته از زد و خورد‌های داخلی هستند و هیچ‌آی از اینان گرم نمی‌شود.

تازه‌ها

حسین گروسی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی:

«هفت‌سنگ»

موجب همکاری خانواده می‌شود

گروه فرهنگ و هنر: حسین

گروسی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی درباره به‌کارگیری اقتباس در مجموعه تلویزیونی «هفت‌سنگ» گفت: در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان مانند کره‌جنوبی به کمک افسانه آثار سینمایی و تلویزیونی زیادی را تولید می‌کنند زیرا تاریخی غنی ندارند که بخوانند از آن کمک بگیرند اما ایران تاریخی کهن و پربار دارد، بنابراین اینکه بخواهیم سریال هفت‌سنگ را یک اقتباس صرف از سریالی خارجی بدانیم، نراوست. به هر حال هنر باید برای عرضه در قالبی ریخته شود و آن قالب ممکن است پیش از آن هم مورد استفاده قرار گرفته باشد و این یک اتفاق طبیعی است.

وی ادامه داد: بنابراین آنچه در این مقطع اهمیت پیدا می‌کند، تأثیرگذاری و تیغ برنده هنر است. به نظر من سریال هفت سنگ از این ویژگی برخوردار است. مجموعه‌ای متنوع، شاد و آموزنده که در قالب آن مطالب و مفاهیم مهم و مورد نیاز برای زندگی مطرح می‌شوند و می‌توان جریان زندگی را در آینه آن نگریست. بنابراین باید نیمه پر لیوان را هم نگاه کنیم. تاریخ کشور ما پربار و ارزشمند است. اقتباس هم امری مرسوم است و بارها پیش آمده که کشورهای خارجی از تاریخ سرزمین‌مان در آثار خود بهره گرفته‌اند زیرا کشوری مانند آمریکا خود صیغه و پیشینه‌ای ندارد بنابراین در این مواقع آنها به افسانه‌ها برای تولید آثار هنتری روی می‌آورند. در واقع بر آنچه که بر پایه خیال است، نه واقعیت.

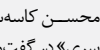
این نماینده با تأکید بر ارزشمند بودن نگاه هنری مجموعه «هفت‌سنگ» افزود: به اعتقاد من سریال‌های تلویزیون از جمله هفت‌سنگ آثار ارزشمندی در خور و ارزشمندند و من رویکرد آنها را خوب و مناسب می‌دانم. اساساً وقتی جریان عادی زندگی با هنر آمیخته و به مردم ارائه شود، می‌توان تأثیرگذاری‌اش افزایش می‌دهد. در سریال هفت سنگ مفاهیم اخلاقی زیادی مطرح می‌شود. این مجموعه بر مسائل روز جامعه دست می‌گذارد. مسیر درست رفتاری را به نوجوانان و جوانان یادآوری می‌کند و به زبانی غیر از زبان خود بنا بر توصیه‌های بزرگان دین قصد راهنمایی مخاطب را دارد و این نکته دلگرم‌کننده درباره این اثر است. همچنین مفاهیم مستتر زیادی را می‌توان از این سریال برداشت کرد که به طور غیرمستقیم ارائه می‌شود. گروسی با اشاره به برخی مفاهیم اخلاقی مطرح شده در این سریال عنوان کرد: متأسفانه امروزه بین والدین و فرزندان نوعی گسست فرهنگی وجود دارد و آمار طلاق افزایش یافته است اما این سریال به دنبال ایجاد روابطی نزدیک بین اعضای خانواده و افزایش دوستی و مودت میان آنهاست. به نظر من حتی باید بر ساخت آثاری مشابه آن هم تأکید کرد. زیرا در شرایط امروزی که خانواده‌ها ناخوستا به دلیل جریان ماشینی شدن و زندگی صنعتی برای فرزندان خود وقت کمتری صرف می‌کنند، این سریال رویکردی ترغیب‌کننده و آموزش‌دهنده برای پدران و مادران دارد تا به بچه‌های خود توجه بیشتری داشته باشند و آموزش‌هایی را در نحوه درست رفتار کردن با آنها در مسیر داستان ارائه می‌کند. از سوی دیگر این سریال برای فرزندان هم آموزنده و مفید است زیرا تأکید می‌کند که آنها چگونه باید از تجربه نسل‌های قبل تر خود استفاده کنند و درس بیاموزند. ■ ■ ■

فخیم‌زاده با موضوع مواد مخدر

سریال می‌سازد

کلسه‌ساز،مدیر تولید«فوق‌سری»

گفت: این سریال با موضوع مواد مخدر و در ژانر پلیسی به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده، عید سعید فطر کلید می‌خورد.



محسن کلسه‌ساز، مدیر تولید سریال «فوق‌سری» در گفت‌وگو با تسنیم، از تولید این سریال به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده خبر داد و گفت: «فوق‌سری» با موضوع پلیسی از عید سعید فطر در تهران کلید می‌خورد. وی افزود: در حال حاضر مهدی فخیم‌زاده مراحل نهایی پیش‌تولید و طراحی دکور این سریال را در بوستان وادی انجام می‌دهد که محل استقرار ستاد فرماندهی سریال در آنجا قرار دارد. کلسه‌ساز اضافه کرد: بخش اعظم تصویربرداری این سریال در تهران انجام می‌شود. این فیلم بخش بیرونی و جادای هم دارد که احتمالاً خارج از شهر ساخته می‌شود. مدیر تولید «فوق‌سری» خاطرنشان کرد: این سریال دو نقش اصلی مرد دارد که مهدی فخیم‌زاده یکی از آنها را ایفا می‌کند. بازیگران دیگر این سریال در هفته آینده نهایی و اعلام می‌شوند. این سریال مانند سایر کارهای اخیر تلویزیونی فخیم‌زاده در ژانر پلیسی تولید می‌شود و اثری را تعلیق است. فیلمنامه «فوق‌سری» را حسین تراب‌نژاد نوشته است. داستان این سریال درباره عملیات ویژه نیروی انتظامی است. عملیاتی فوق‌سری که فقط ۵ نفر از آن اطلاع دارند. سرهنگ مقدم باید به قتل‌بار ناصر پاپتی در میان قاچاقچیان نفوذ کند و ماموریت ویژه‌ای را به سرانجام برساند. این ماموریت هم برای پلیس و هم قاچاقچیان مواد مخدر ویژه است.